

عرش را لمس کن

مترجم :

۴_۵_۵12

ویراستار :

Tsuki

کلینر :

لاکس

تایپیست :

یول

کاری از تیم :

Flaxen Guys



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys



@FlaxenGuys



九天

TOUCH
THE
EMPYREAN

چیترا - چونگ هوا

نویسنده و طراح: XuanGe
همکار مترجم: NECO Miao
مترجم ویرایش: YuHuo

پنج هزار سال قبل، ژوان یوان*،
خدای اژدها، زمین رو به سه بخش تقسیم کرد:
دنای الهی، دنیای فانی و دنیای زیرین.

*Xuan Yuan



خدای اژدها موجودات آسمانی
رو مجبور کرد که در عرش زندگی کنند.

عمر موجودات آسمانی به قدرت روحی که از درخت مقدس
نشأت می‌گرفت وابسته بود.

دنای الهی

تیان دی، رهبر موجودات آسمانی.

توسط "فرزندان خدا" که از
درخت مقدس متولد شده بودن انتخاب شد.

دنای فانی

دنای زیرین

قدرت خدای اژدها طی این
پنج هزار سال به تدریج از بین رفته.

چنین شایعاتی بین موجودات آسمانی در حال پخش شدن بود...

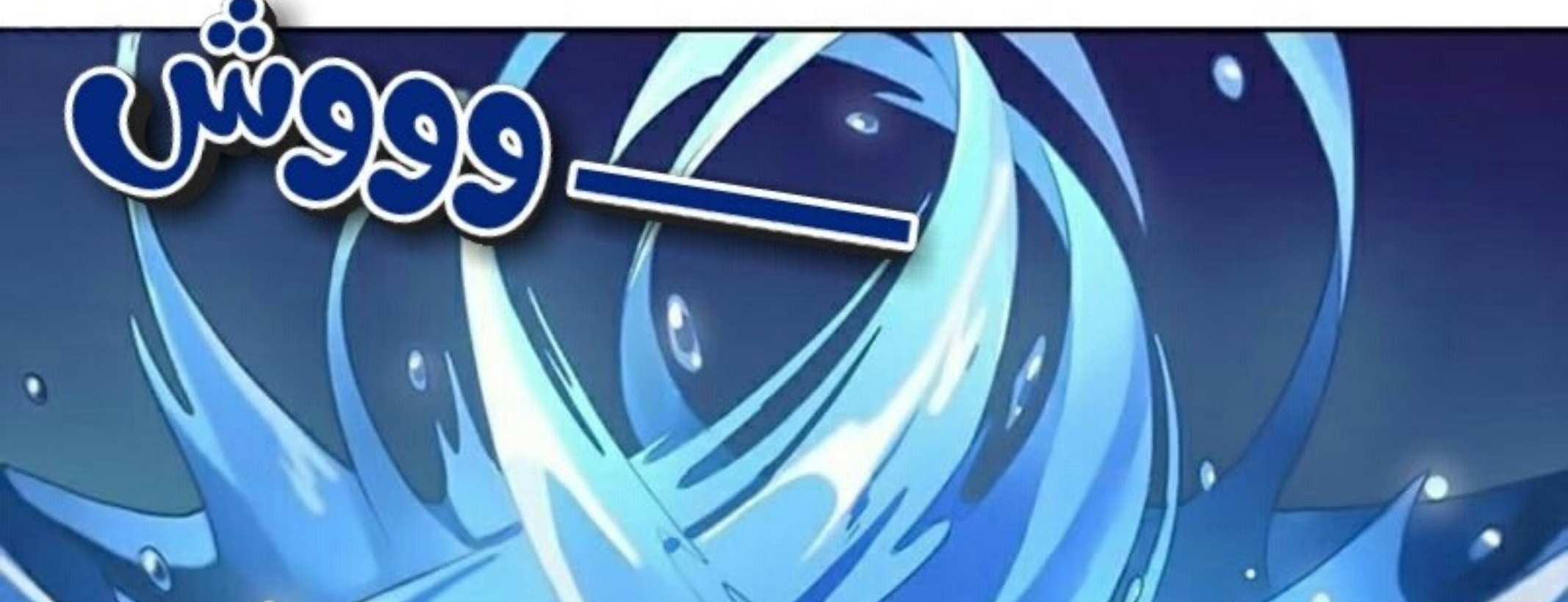
در نزدیکی درخت مقدس



سرفه سرفه

ژوان
یوان

ژوان یوان، خدای ازدها که موجودات آسمانی به اون ایمان دارن. هزار سال قبل جراحات سنگینی برداشت و برای بهبود به سرزمین ممنوعه اومد.



هییییی پیرمرد، چند بار صدات کردم، چرا جوابمو ندادی؟

حوصله‌م سر رفت از بس تنهایی تو اون رودخونه‌ی فراموش شده موندم! بیا باهم حرف بزنیم!



باز کردن چشم



نه، تازه
خوابم برده بود...



وایسا بینم،
نکنه که...



چرا انقدر
ضعیف شدی؟ زیادی
ناجور کتکت زدم؟



پس هنوز
یادته عجوزه.

اصلاً ککت
هم نگزید که
یه همچین مرد
خوش قیافه‌ای
رو زدی؟

عجوزه



پرت و پلا گفتو
تموم کن. نود هزار سالی
می‌شه که...

دوست داری به
قدرت درخت مقدس
تکیه کنی که زنده
نگهت داره...



تا حالا به سرت
نزده که یکی از اون بیرونو
ببینی؟

گذشته از
اینا، تو بچه‌هایی
که تو بخش الهی بزرگ
شدن رو نظاره کردی.



نه، بگذریم.
من نمی‌خوام
زندگی اونارو
به هم بریزم.

آهان،
پس مراقبت
کردن از یه لونه‌ی
خالی باعث زحمت
حضرت عالی
شده.



هاه؟ دوباره
بگو چی گفتی؟

دلت
می‌خواد سیاه
و کبودت
کنم؟

کناره‌ی
رودخانه‌ی
فراموش
شده

اهم...

وقتی می بینمت،
می فهمم هنوزم
عین قدیمایی.

اوادم که بهت
خبر بدم، این پاییز،
رای گیری ولیعهد
نامیدت نمی‌کنه.

بالاخره
موفق میشی
با په مرد
جوون
هم صحبت
بشی...

چین
بچه
جالبی...

چقدر
شگفت‌انگیزه
که اون سرنوشت
خودش و
دیگران رو
عوض کرده.

خیلی عمیق خوابیدن

من چوانیو*

چی داری می‌گی؟!*





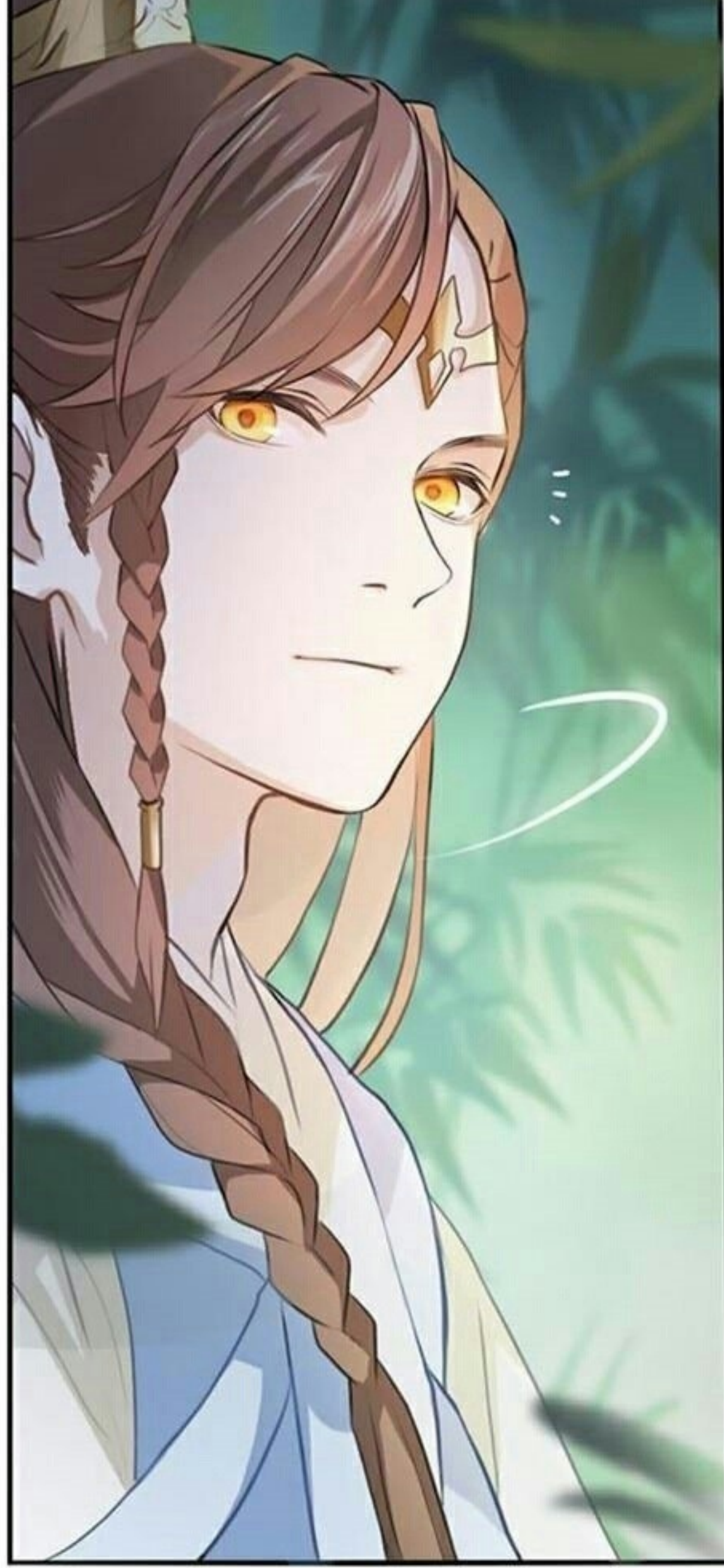
چینگ
هه

چینگ هه، کشیش. مربی
منتخبان رای گیری ولیعهدی.

*Qing He



وووش



استاد چینگ هه،
ایشون منتخبین که
شما باید تعلیمشون
بدین.

دستیاران کشیش



*ChongHua





چونگ هوا
کوچولو، از این به
بعد قراره با من
زندگی کنی.



۳ ساله



۸ ساله



۱۰ ساله

آره داری درست
انجامش می‌دی. لطفاً جادویی
که دم و شاخهات رو پنهان
می‌کنه یادت باشه.



۱۲ ساله



۱۳ ساله



استاد، چرا ما شمشیرزنی یاد می‌گیریم؟

تو نمی‌فهمی. شمشیرزنی خیلی مهمه.

شمشیرزنی خشن و خسته کننده‌س، این اقامتگاه هم جای امنیه، من نمی‌خوام یادش بگیرم.



صاحب بدن قوی‌ای شدم و هیچ احدالناسی نمی‌تونه شکستم بده!

به من نگاه کن، بعد از این‌که شمشیرزنی یاد گرفتم،

خیره شدن







کلنگ!

*برخورد شمشیر



ظلاف کردن



استاد...



این اواخر
سخت کار کردی،
چونگ هوا.



فردا قراره
بقیهی کشیش‌ها تو رو
ارزیابی کنن. امشب عرش ما
رو احضار کرده، پس من تو
اقامتگاه نیستم. خوب
استراحت کن.



بعد از ارزیابی،
رای‌گیری برای انتخاب
ولیعهد چونگ هوا.





چشمه‌ی آب‌گرم اقامتگاه





کسای که پایین،
لطفاً برین کنار!!



